



## اومانیسیم و عرفی شدن فقه

نسرین هژبری<sup>۱</sup>

منصوره سادات ایوبی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از مکاتب فکری غرب، اومانیسیم است که با مبنای انسان‌گرایی، همه چیز را برای انسان، در جهت رسیدن هرچه بیشتر به لذات مادی و هواهای نفسانی می‌خواهد. این نگرش باعث می‌شود شود انسان جهان‌بینی مادی داشته باشد و با هواپرستی و خودپرستی، غرق در لذات حیوانی شود و نهایتاً در حیوانیت خویش هلاک شود. از طرفی زیربنای دین و اخلاق زده می‌شود و موجب عرفی شدن دین می‌شود.

بازتاب تقدس‌زدایی از دین، رسیدن به پوچی یا نهیلیسم در انسان است، چرا که در گرداب مشکلات، منبع مقدسی برای خویش نمی‌یابد تا مایه امید و نجاتش باشد. جامعه نیز با از بین رفتن اخلاق و قانون به ورطه نابودی کشانده می‌شود. این تحقیق بر آن است که با روش تحلیلی توصیفی به بیان اومانیسیم و تأثیر آن در عرفی شدن فقه بپردازد. اومانیسیم با نگاه جدیدی که به عالم و آدم دارد، از طریق خصوصی کردن و عصری کردن دین باعث عرفی شدن دین و فقه شده است. به این ترتیب دین از یک امر قدسی و وحیانی به یک امر دنیوی و مادی تنزل پیدا کرده است. نتیجه چنین دیدگاهی بازماندن بشر از کمال انسانیت و غرق شدن وی در ورطه حیوانیت است. رویکردی که ما در این تحقیق به آن اشاره کردیم، علی‌رغم پژوهش‌های زیادی

<sup>۱</sup> مدرس جامعه المصطفی العالمیه.

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی خراسان



که در مورد اومانیسیم موجود است، مورد مشابه ندارد و تحقیقی که به تأثیر اومانیسیم در عرفی شدن فقه و راه‌های برون‌رفت از آن به‌طور مستقل و مدون پرداخته باشد وجود ندارد.

**واژگان کلیدی:** اومانیسیم، عرف، عرفی شدن، فقه، دین.

### مقدمه

اومانیسیم، اصالت انسان و انسان‌گرایی یکی از مکاتب فکری غرب است که با محور قرار دادن انسان و امیال غریزی و طبیعیش، وی را تا مرز حیوانیت پایین آورده است. زیرا انسان در زمینه علایق و امیال طبیعی با حیوانات فرقی ندارد. به عقیده این مکتب، بشر قبل از دوره مدرن، بشر تکلیف‌گرا بود و پس از آن بشر حق‌گرا است. لذا براساس چنین تفکری همه چیز رنگ و بوی مادی و شهوانی به خود گرفته و زندگی انسان از ارزش‌های الهی و فضایل اخلاقی تهی شده است. اومانیسیم با مبانی فکری همچون تجربه‌گرایی، طبیعت‌گرایی، آزادی‌گرایی، لذت‌گرایی و... باعث شد، دین از ساحت اجتماعی تهی و به امری شخصی و بلکه خصوصی تنزل یابد. دین در این مسیر، نوعی تقلیل و کاهش را تجربه کرد و در حد یک ایمان فردی فروکاسته شد. نتیجه این دیدگاه عرفی شدن دین و در نهایت فقه می‌باشد. در این نوشتار برآنیم تا با تعریف اومانیسیم و بیان تاریخچه و عقاید آن، تأثیرش را در زمینه عرفی شدن فقه بیان کنیم. هدف اصلی نوشتار، بیان افکار اومانستی است که چگونه دین را از زندگی اجتماعی، سیاسی انسان به حاشیه برده و سبب فاصله گرفتن دین از ساحت عمومی و سپردن مدیریت جامعه به عقل عرفی شده که در این صورت دین به نهادی در عرض نهادهای اجتماعی تبدیل شده و به وظیفه فردی همت خواهد گماشت. از طرفی، انسان را محدود به عالم ماده و هواهای نفسانی می‌کند تا کمال خود را در رسیدن به نیازهای پست مادی بداند.

## اومانیسیم (Humanism)

سیستم فکری است با این اعتقاد که انسان می‌تواند از عقل خویش در جهت حل مشکلاتش، بهره بگیرد. همچنین بر این واقعیت تأکید می‌کند که اساس و طبیعت خوبی‌ها از انسان است. (فرهنگ آکسفورد ادونس لرنر، ۷۶۰)

اومانیسیم همچنین به معنای انسان دوستی و اصول انسانیت می‌باشد و اشاره به نهضت فکری دارد که در قرن چهاردهم میلادی در اروپا پیدا شد و هدف آن بالا بردن مقام انسانی بود. (فرهنگ عمید، ۱۳۹۴، ۳۱۳)

معنای اصطلاحی اومانیسیم، اصالت انسان یا انسان‌محوری است. مادیگرهای معاصر، که وجود را مساوی با ماده می‌دانند و منکر ماوراء طبیعت هستند، بحث «اومانیسیم» را مطرح کردند تا از طریق در اولویت قرار دادن نیازهای مادی و لذات انسانی و رشد و تکامل او در زندگی، فقدان معنویت در زندگی بشر را جبران کنند. (سبحانی، ۱۳۹۰، ۱۷۷)

این معنا از اومانیسیم، متعلق به دوران یونان باستان و عصر رنسانس است و پس از رنسانس در مقابل مذاهب مبتنی بر ماوراء الطبیعه، انسان پرستی را مطرح کرد تا از قربانی شدن انسان در مقابل خدا جلوگیری کند. (اخوان، ۱۳۹۰، ۱۲۳)

## عُرف

در لغت به معنای معروف (فراهیدی، ۱۴۲۵ق، ۱۱۷۹) و شناخته شده است و اشاره به چیزی دارد که در میان مردم معمول و متداول است. «عادت» چیزی است که هنگام حکم عقل، مردم آن را سیره مستمره خودشان قرار دهند. با توجه به قول فقهاء که می‌فرمایند: «العادة محكمة و العرف قاض». عادت شامل عرف عام و عرف خاص است و معمولاً عرف عام را «عرف» گویند. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۵۸۱۶) در اصطلاح عرف جاری مردم، عرف عصر نزول می‌باشد. (جمعی از محققان، ۱۳۹۷، ۲۱۳۸)





## عرفی شدن

در لغت، عرفی، به معنای منسوب به عرف (معین، ۱۳۸۵، ۲۲۹۲) است و منظور از کلمه عرفی، در مقابل شرعی می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۵۸۲۱)

معنای اصطلاحی عرفی شدن، جدایی سیاست، از نهاد دین می‌باشد. به عبارت دیگر، با وجود گوناگونی کارکردهای دین در اعصار گذشته و پیچیده شدن مناسبات زندگی اجتماعی و تخصصی شدن نقش‌ها، دین می‌بایست همچون سایر نهادها، وظایف خاص خود را انجام دهد و در دیگر عرصه‌های زندگی بشر دخالتی نداشته باشد. (سبحانی، ۱۳۹۰، ۴۳)

## فقه

در لغت به معنای علم (فراهیدی، ۱۴۲۵ق، ۱۴۱۰) به چیزی و فهم آن است و در عرف، به علم شریعت و مخصوصاً علم به فروع دین، گفته می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۲۶، ۳۰۶۵). شهید اول در تعریف فقه می‌گوید: «هو العلم بالاحکام الشرعیه الفرعیه عن ادلتها التفصیلیه» و مشهور فقها نیز همین تعریف را برگزیده‌اند. (جمعی از محققان، ۱۳۹۷، ۲۰)

## دین

واژه دین، اسم مصدر است که برگرفته از ریشه «د-ی-ن» می‌باشد و در کتاب لغت به معنای جزاء و طاعت (فراهیدی، ۱۴۲۵ق، ۶۱۱) است. لازم به ذکر است که، تعریف ماهوی از دین ممکن نیست. چرا که دین، مجموعه قواعد اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی است، لذا وحدت حقیقی و وجود حقیقی ندارد در نتیجه ماهیت نیز ندارد.

اما می‌توان تعریف مفهومی از دین ذکر کرد، به این صورت که دین، مجموعه عقاید و مقرراتی است که اصول بینشی و گرایشی و اخلاقی و شئون زندگی بشر را در بر می‌گیرد و برای اداره فرد و اجتماع بشری و پرورش آن‌ها از طریق آموزه‌های عقلانی و وحیانی برنامه دارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۲۸)

## اومانیسیم

پیشینه اومانیسیم به ادبیات ماقبل مسیحی در برتر نشان دادن انسان بر خدایان، در واکنش به الهیات کلیسا برمی‌گردد. در بینش اسطوره‌ای یونان قدیم، انسان و خدایان با یکدیگر رقابت و حسد می‌ورزیدند و انسان آزادی‌خواه، یک شورشی گناهکار و مستحق شکنجه بود.

واکاوی حقایق هستی و کائنات از ترس اینکه مبدا با تعالیم کلیسا در تناقض باشد، ممنوع و دانشمندانی که با استفاده از علم و تجربه به نتایجی مخالف با تعالیم کلیسا دست می‌یافتند، به مرگ محکوم می‌شدند. این نوع نگاه تحقیرآمیز به انسان، باعث قیام او در مقابل چنین دینی شد، بنابراین اومانیسیم تجلی طغیان انسان غربی علیه ارزش‌های رایج در کلیسای قرون وسطا بود. از آن پس، انسان‌گرایی به دینی در مقابل دین کلیسا مبدل شد. (عرب صالحی، ۱۳۹۳، ۳۱۷)

به این ترتیب انسان مداری بازگشتی به روم و یونان باستان بود. اومانیسیت‌ها معتقد بودند که منزلت، تواناییها و استعدادهای انسان که در دوران روم و یونان باستان مورد توجه بود، در قرون وسطی نادیده گرفته شده است، لذا در فضای جدید باید احیاء شوند.

همچنین، اصلاحات دینی لوتر و پیدایش حکومت‌های مستقل در فرانسه، انگلستان، اسپانیا، به عبارت دیگر، رنسانس و اصلاح دینی، باعث از هم پاشیدن ترکیب فلسفی قرون وسطی شد. بنابراین انسان دوره رنسانس با استقلال نسبی و کشفیات علمی‌ای که بدست آورد، اعتمادی نسبت به خود و توانایی‌هایش یافت. این اعتماد رفته رفته به اومانیسیم مبدل شد. (فیروزی، ۱۳۸۴، ۲۱)

## مبانی فکری اومانیسیم

### ۱. محوریت انسان به جای خدا

نخستین مؤلفه مکتب اومانیسیم، محور قرار دادن انسان در دایره خلقت می‌باشد که انسان را موجودی کاملاً مستقل و دنیوی می‌داند و اعتقاد به اصالت فرد و انانیت نیز ویژگی این مکتب می‌باشد. (اصغری، ۱۳۹۱، ۶۵) به عقیده اومانیسیت‌ها، انسان موجودی اصیل است و موهبت‌هایی دارد که دیگر موجودات از آن بی‌بهره‌اند. (کاشفی، ۱۳۸۰، ۱۴۲)





بر مبنای این تفکر آن چیزی خوب است که میل انسان آن را خوب بداند و چیزی بد است که انسان آن را بد بداند، نه این که خداوند باید حق و باطل و خوب و بد را تعیین کند. لذا کشش‌های مادی و غرایز حیوانی بر کشش‌های معنوی غلبه می‌یابد و مذهب وسیله‌ای است برای زندگی دنیایی بهتر، بدون آن که دنیا بستر تعالی معنوی انسان باشد. (طاهرزاده، ۱۳۹۰، ۴۸)

همه چیز برای انسان حکم اشیائی را پیدا کرد که باید به تصرف و تملک او درآید حتی دین نیز چون شیئی در میان اشیا متعلق به فرد تلقی شد که باید در تملکش داشت نه آن که در تملکش بود. او در این جهان نفسانی، مبدأ و معاد اشیاست و اشیا مورد و متعلق شناسایی او. (ره‌دار، ۱۳۹۳، ۷۳۲)

## ۲. سکولاریسم

اگر اومانیسیم را دین‌گریز و دین ستیز ندانیم، دست کم با خداناشناسی و انکار دین کاملاً سازگار است. محور قرار دادن خواسته‌های انسان در برابر فرامین الهی سبب شد که انسان‌گرایان گام به گام به سوی سکولاریزم و بی‌خدایی پیش روند. (رجبی، ۱۳۸۶، ۴۹)

سکولاریزم یا سکولاریزاسیون از ریشه سکولوم Saeculum لاتینی، به معنای «ایام»، «سده» یا «توجه به حال داشتن» است که ترجمهٔ واژه یونانی آیون یا آیوناس می‌باشد. در ابتدا این اصطلاح بیانگر طول عمر انسان یا یک نسل بود و سپس نزد افلاطون و معاصرانش به معنای عمر جاودان، جاودانگی نیز به کار رفت. بنابراین سکولاریزاسیون را می‌توان به معنای منطبق شدن با زمانه، سده، ایام و این دنیا، تفسیر کرد. (سبحانی، ۱۳۹۰، ۲۹)

رایج‌ترین معادل فارسی واژه سکولاریزاسیون «جدا انگاری دین و دنیا» است. انسان سکولار، فردی است که علاقه و گرایش به امور معنوی و مذهبی ندارد، به معنای دنیوی، مادی و غیر مذهبی نیز می‌باشد. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۵، ۱۷)

در تفکر سکولار، عقل آدمی، مستقل از دین و هر مرجع معرفتی دیگر، قادر به کشف غایات حیات انسانی و ارائهٔ ابزار وصول به غایت است. سکولاریسم، اعتقاد به عدم برتری مرجعیت دین، نسبت به مرجعیت سایر منابع معرفتی دارد. (خطیبی، ۱۳۹۱، ۲۸۱)

### ۳. عقل‌گرایی

عقل‌گرایی و اعتقاد به خودکفایی و استقلال عقل انسانی در شناخت خود و هستی و سعادت واقعی و راه رسیدن به آن، یکی از مؤلفه‌های اومانیسم است. (طاهری، ۱۳۸۷، ۵۸) بر مبنای این تفکر، با روش تفکر محض می‌توان به حقیقت رسید. حقایق اساسی و بنیادین در معرفت بشری با عقل محض، بدون تکیه بر تجربه حسی، قابل ادراک و اثبات شمرده می‌شود. (شمس ناتری، ۱۳۹۳، ۱۱۳)

اومانیسم انسان را متکی بر عقل ابزاری یا رشنالیسم و عقل گسسته از فطرت الهی می‌داند، تا جایی که به زعم این مکتب، عقل و فلسفه، از دین و خداوند جدا گردید و همچنین اخلاق از حقوق، انصاف از عدالت، عدالت از ایمان و ایمان از زندگی، اقتصاد از اخلاق، اخلاق از سیاست و سیاست از معنویت جدا گردید و انسان در برهوتی از پراکندگی و فردیت گرفتار شد. (اصغری، ۱۳۹۱، ۶۶)

### ۴. تساهل و تسامح

تسامح و تساهل که یکی از مبانی اعتقادی اومانیسم است، بیانگر فردی و شخصی بودن اعتقادات اشخاص می‌باشد. بنابر عقیده آنان، اعتقادات افراد امری درونی است که لزومی ندارد پشتوانه عقلانی داشته باشد. لذا در بحث تساهل میان دو حوزه عقل و وحی فرقی نمی‌گذارد. در بحث تسامح نیز معتقدند هر انسانی هر چه را که آرزو می‌کند، می‌تواند انجام دهد، زیرا هویت انسان را تمایلات فرد و آزادی او می‌دانند نه اندیشه و عقاید انسانی. (سجادی، ۱۳۹۱، ۶۳)

رواج روحیه تساهل و تسامح، پیوند مستقیمی با پلورالیسم دینی دارد. به عبارت دیگر، پلورالیسم دینی یکی از دستاوردهای تساهل است. بر اساس اندیشه پلورالیستی، هیچ دینی حقیقت مطلق را در اختیار ندارد و هر دینی، هم احکام حقیقی و هم احکام باطل را شامل می‌شود. بنابراین پیروان هیچ دین و مذهبی حق ندارند پیروان ادیان دیگر را گمراه بدانند و مذهب آنان را باطل قلمداد کند. (ونکی فراهانی، ۱۳۸۷، ۴۵)

تفکر اومانیستی بر پایه تساهل و تسامح در کشورهای اسلامی موجب سست شدن تعصب و غیرت دینی مردم شد و این یکی از راه‌هایی است که دشمن برای رسیدن به مقاصد شوم خود در پیش گرفته است. در مقابل این اصطلاح، واژگانی همچون خشونت‌طلب و تروریست را استعمال





کردند تا اینطور اذهان افراد بپذیرد که یا باید اهل تساهل و تسامح بود و یا باید خشونت طلب و تروریسم بود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۶۱)

## ۵. طبیعت‌گرایی

واژه طبیعت‌گرایی مترادف واژه مادی‌گرایی است، اما استعمال اصطلاح مادی‌گرایی بیانگر مقصودی فراتر از طبیعت‌گرایی می‌باشد. (مطهری، ۱۳۷۷، ۶۸) در طبیعت‌انگاری اومانیست‌ها، انسان قسمتی از طبیعت است و طبیعت قلمرو انسان است. ترکیب جسم، حواس و نیازهای انسان، وی را به طبیعت گره می‌زند، بنابراین نمی‌تواند خود را از امور طبیعی جدا سازد یا از آنها غفلت کند. (فرارودی، ۱۳۹۶، ۱۰۱)

اومانیسم با پندار طبیعت‌گرایانه طرفدار گرایش‌های طبیعی و لذت‌جویانه است تا آنجا که معتقد است غریزه جنسی باید کاملاً آزاد و رها باشد و هرگونه مانع در برابر آن خلاف فطرت است. برخی از اومانیست‌ها اصل و اساس همه چیز را در زندگی انسان به غریزه جنسی بازمی‌گردانند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۷۷)

## ۶. آزادی‌گرایی

در تفکر اومانیستی، آزادی‌گرایی بسیار ارزش پیدا می‌کند چرا که انسان محور همه امور بوده و امیال در وجود او اصالت داده می‌شود؛ به عبارت دیگر، از آزادی باید دفاع کرد چرا که در راستای محوریت قرار گرفتن انسان و امیال وی نقش اساسی دارد. (میراحمدی، ۱۳۸۱، ۱۱۶)

رهاورد لیبرالیسم غربی برای انسان، آزادی سیاسی- اجتماعی نسبتاً نامحدودی است که بواسطه آن انسان می‌تواند به تمام خواسته‌های مادی خود برسد مگر اینکه آزادی او موجب سلب آزادی از دیگران شود. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳، ۱۷۵) لذا شرط آزادی در غرب این است که؛ مزاحم دیگران نباشد و از آنان سلب آزادی نکند.

به عبارت دیگر، آزادی در غرب از طریق قانون محدود می‌گردد و سر و کار قانون با امور اجتماعی و روابط افراد با یکدیگر و مجموع با دولت است، در این صورت آزادی افراد، تا آنجا محترم است که با مصالح جامعه در تضاد نباشد در غیر این صورت هر چه می‌خواهد بیندیشد و



بگوید و انجام دهد. چنین آزادی، ابزاری برای نفی تکلیف در زندگی فردی است و هدف از آن، ارضای غرایز است. (سبحانی، ۱۳۸۴، ۹۰)

اومانیسیم اگرچه با انگیزه نفی دین آغاز نشده بود اما سرانجام آن به نادیده گرفتن دین، نفی آن و حتی معارضه کامل با دین منتهی شد و شکستن ارزش‌ها و قداست‌های دینی را در پی داشت. زیرا مسیحیت تحریف شده، انسان را لکه ننگی در صحنه آفرینش قلمداد می‌کرد که ذاتاً گناهکار بود. به این ترتیب متفکران لیبرال به ادیان الهی بی‌اعتنا شدند و اومانیسیم را مطرح کردند. (طاهری، ۱۳۸۷، ۵۷)

## ۷. لذت‌گرایی

یکی از نیازهای ضروری انسان حس لذت‌جویی است که در تفکر غربی به اشتباه محور زندگی بشر قرار گرفته است. با نظر به اینکه انسان موجودی بی‌نهایت طلب است، برای اشباع نیازها و غرایز خود نیز، به دنبال نامحدود است. این افراط در لذت‌جویی از پایه‌های تفکر اومانیسیم است. (جعفری، ۱۳۸۸، ۱۱۲)

یکی از عواملی که انسان را به الحاد می‌کشاند و مانعی برای گرایش به دین است، میل به بی‌بندوباری و راحت‌طلبی و نداشتن مسئولیت می‌باشد، یعنی آدمی خود را در اختیار هوس و گناه قرار می‌دهد و به دنبال درک لذت‌های محسوس و مادی و اشباع بی‌حد و اندازه غرایز مادی و حیوانی است. این امر سبب می‌شود انسان خود را از قید و بند انجام دستورات دینی و منهیات آن رها سازد. (شکوهی، ۱۳۸۴، ۲۵۲)

ثمره محوریت لذت‌گرایی در زندگی این است که انسان در خوشایندهای زندگی دچار فرح و فخر و غرور شده و در ناخوشی‌ها ناامید و مأیوس می‌شود. به عبارت دیگر وقتی لذت‌گرایی محور زندگی قرار می‌گیرد، انسان وضعیت خود را با این ملاک می‌سنجد نه با ملاک خیر بودن امور. (پسندیده، ۱۳۹۲، ۱۹۰)

## ۸. علم سکولار (علم‌زدگی)

مصادق علم سکولار، علم جدید است که در آن خدا نسبتی ضروری با علم ندارد چرا که دانشمند غربی می‌تواند موحد، لادری یا ملحد باشد و بدون توسل به خدا، گردش کل امور جهان





را تبیین کند. در واقع این علم، فقط به عقل جزئی و معرفت حسی متکی است. بنابراین، جهان‌شناسی مدرن، تولد و مرگ این جهان را نیز در قالبی مادی گرایانه تصویر می‌کند.

هدف این علم، غلبه بر طبیعت و قدرت است. حمایت حکومت‌های غربی از علم سکولار هم به دلیل عشق سرشار آنان به قدرت و ثروت است، بنابراین این علم اصلاً متعالی و معنوی نیست. (سبحانی، ۱۳۹۰، ۴۵۵-۴۶۳) وقتی هدف، تسلط بر عالم و تصرف در آن شد، هر گونه رابطه‌ای میان شناسایی جهان و اخلاق انکار می‌شود، در حالی که اگر بینش توحیدی مبنا قرار می‌گرفت دیگر این نوع علوم با این هویت نمی‌توانست ادامه یابد. وقتی معنای حقیقی انسان گم شد، انسان به جای زندگی در آغوش طبیعت برای تقرب به خدا، کارش تغییر طبیعت برای اثبات خود می‌شود. (طاهرزاده، ۱۳۹۰، ۳۲۶)

### نقش اومانیسیم در عرفی شدن فقه

عرفی شدن دین یا فقه، اولین بار در غرب و نسبت به دین مسیحیت مطرح شد. (سبحانی، ۱۳۹۱، ۴۳) غرب با دیدگاه اومانیستی و نگاه جدیدی که به عالم و آدم دارد، باعث عرفی شدن و سکولار شدن زندگی انسان مدرن شده است. (نعیمیان، ۱۳۹۷، ۶۴)

عرفی شدن که مترادف سکولاریزاسیون است، به مثابه فرآیندی است که طی آن، دین از ساحت اجتماعی تهی و به امری شخصی و بلکه خصوصی تنزل می‌یابد. دین در این مسیر، نوعی تقلیل و کاهش را تجربه می‌کند و به اعتقاد دین‌شناسان، دین مستقر به یک ایمان فردی فروکاسته می‌شود. (نوروزی، ۱۳۹۳، ۴۸)

عرفی شدن، یک بحث جامعه‌شناختی است که یک امر خارجی موجود در جوامع را تبیین و توصیف می‌کند اما سکولاریسم، یک نظام سیاسی و فلسفه اجتماعی است که همه شکل‌های ایمان و عبادت دینی را انکار می‌کند و تلاش می‌کند در جهت بنیان نهادن یک قلمرو مستقل معرفت، که از پیش‌فرض‌های ایمان‌گرایانه و ماورای طبیعی تصفیه شده باشد. (گلستانی، ۱۳۸۸، ۴۵) در نگاه کلی، عرفی شدن به دو صورت تحقق‌یافتنی است:

الف) انزوای اجتماعی دین؛ یعنی فاصله گرفتن دین از ساحت عمومی و سپردن مدیریت جامعه به عقل عرفی که در این صورت به نهادی در عرض نهادهای اجتماعی تبدیل خواهد شد و به وظیفه فردی همت خواهد گماشت.

ب) عصری یا دنیوی شدن دین، به معنای انقلاب درونی دین، دخالت عناصر دنیوی در دین و خالی شدن آن از عناصر قدسی و وحیانی. (همان، ۶۹۹)

با توجه به تعریف دین؛ که مجموعه قواعد اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۲۸) و تعریف فقه که علم به فروع دین است، (ابن منظور، ۱۴۲۶، ۳۰۶۵) لذا عرفی شدن دین به عرفی شدن فقه می‌انجامد زیرا فقه جزئی از پیکره دین است و عوامل مؤثر در عرفی شدن دین همان عوامل عرفی شدن فقه است.

اومانيسم غربی معتقد است دین شامل دو بخش عقاید و احکام است، از نظر آنان عقاید را باید عقلانی کنیم چرا که؛ اعتقادات را باید تنها از عقل گرفت و کتاب و سنت را کنار گذاشت ولی احکام باید عقلایی شود، زیرا؛ احکام و شریعت جنبه مدنی و اجتماعی دارد و باید از طریق قانون‌گذاری و عقل جمعی بدست آید. بنابراین، نیازی به فقه نیست و تنها امور فردی انسان با دین ارتباط دارد. (سبحانی، ۱۳۹۱، ۴۴)

تأثیرات مستقیمی که فرآیند عرفی شدن بر حوزه دین و فقه گذارده است، عمدتاً خود را در تلاش‌های نظری معاصران در بازاندیشی و باز تعریف دین نشان داده است. این تلاش‌ها در رویکردهای احیاگرانه، اصلاح‌طلبانه و بدعت‌گذارانه قابل شناسایی است.

هدف احیاگری در دین، بازگشت به جوهر اصیل و آموزه‌های نخستین آن است و لذا تلاش می‌نماید تا زنگاره‌های تاریخی\_ فرهنگی و پیرایه‌های نظری\_ اعتقادی را از دامان آن بزدايد و دین را به صیاغ ناب و نیالوده‌اش در هنگام صدور بازگرداند. (شجاعی زند، ۱۳۸۰، ۲۲۱)

بازاندیشی دینی از نوع اصلاح‌گری، تلاشی است برای عصری کردن دین همراه با اهتمامی نسبی در حفظ جوهر اصیل آن به این بیان که برای اصلاح‌گر، دین و فقه و برداشت‌های حاصل از آن باید با ملاک عقل بالغه بشری بازتعریف شده و در معرض اصلاح و تغییرات ضروری قرار گیرد تا پاسخگوی نیازها و مقتضیات امروز مؤمنان گردد. در حالی که رویکرد بدعت‌گذارانه



بی‌محابا به ابطال آموزه‌های فقهی می‌پردازد تا باور جدیدی را که مقتضای آرمان‌های انسان معاصر است، خلق کند. (همان، ۲۲۲)

یکی دیگر از وجوه عرفی شدن، دنیوی شدن امور و ارزش‌های قدسی است. دنیوی شدن محصول فرآیندی است که به آن بازاری شدن، می‌گویند. خاصیت بازار این است که امور را عرفی می‌کند. عرف امری بین‌الذهانی است که در حین تعاملات بازاری، یعنی در دادوستد، شکل می‌گیرد. هنگامی که عده‌ای با هم قراردادهایی ضمنی یا صریح منعقد می‌کنند، عرف شکل می‌گیرد و بازار، مکان عقد قرارداد افراد با یکدیگر است؛ هرچه بازار گسترده‌تر می‌شود، امور بیشتر جنبه عرفی پیدا می‌کند و این امر باعث تسریع دنیوی شدن ارزش‌های قدسی می‌شود. (شریعتمداری، ۱۳۸۲، ۳۰)

نتیجه آن که باید دین مقدس و تعالیم قدسی آن، پای خود را از محدوده‌های فردی فراتر نگذاشته، به عرصه‌های اجتماعی، سیاسی قدم نهد، چون در اثر دوگانگی ماهوی بین دین و امور بشری و دنیوی، نه تنها دین از عهده قدسی کردن چنین اموری بر نمی‌آید، بلکه تقدس خود دین نیز از بین می‌رود و امری عرفی و بشری می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۸۹)

اومانیسیم‌ها ضمن معارض دانستن تعالیم دینی با اندیشه بشری خود، می‌گویند که دوره کنونی تاریخ زندگی بشر، دوره تکلیف و تحمیل نیست، بلکه حق به جای تکلیف نشسته است؛ حقی که بر اساس آن، انسان آزاد است که بندگی خدا را بپذیرد یا رد کند و رها کند. (همان، ۵۸)

مهمترین عوامل عرفی شدن را می‌توان به اجمال در ظهور مدرنیته، اومانیسیم، عقل‌گرایی، گسترش سرمایه‌داری، علم‌گرایی خلاصه کرد. مدرنیته الزاماً عرفی شدن را به دنبال دارد. (یوسف-زاده، ۱۳۸۸، ۲۲۲)

### نتیجه‌گیری:

اومانیسیم با شعار اصالت انسان، درصدد حق‌خواهی از انسانی برآمد که در دوران قرون وسطی تحت ظلم اربابان کلیسا قرار گرفته بود. لذا انسان به عنوان محور و مرکز عالم مطرح شد و خواسته‌های نفسانی و مادی وی اصالت پیدا کرد. محور قرار دادن خواسته‌های انسان در برابر فرامین الهی، سبب شد که انسان‌گرایان گام به گام به سوی سکولاریزم و بی‌خدایی پیش روند.

اومانیسم با مبانی چون عقل‌گرایی، تساهل و تسامح، آزادی‌گرایی و... موجبات عرفی شدن فقه را فراهم کردند. به این ترتیب دین، از ساحت اجتماعی تهی و به امری شخصی و بلکه خصوصی تنزل یافت و دین مستقر به یک ایمان فردی فروکاسته شد. توجه به اصول اومانستی، نشان‌دهنده این است که این جنبش، در صدد است لذایذ مربوط به طبیعت جسمانی را در برابر توجه افراطی به جنبه روحانی در نظام کلیسایی مطرح سازد و لذایذ مادی را هدف نهایی فعالیت‌های بشری تلقی کند. با کسب بینش سیاسی انسان می‌تواند از عرفی شدن دین و فقه جلوگیری کند زیرا این بینش به انسان جهت می‌دهد تا در مسیر حق قدم نهاده و از پیروی کورکورانه از مکاتب ضاله که باعث جدایی انسان از حقیقت غایی‌اش می‌شود، پرهیزد و همراهی با انسان‌هایی که می‌توانند هدایتگر کمال انسان باشند و پرهیز از تفرقه با آنان نیز، راهگشای مسیر سعادت انسان است.





## کتابنامه

\*قرآن کریم

\* نهج البلاغه

۱. ابن منظور، ابی الفضل جمال‌الدین، لسان العرب، ج ۳، بیروت، مؤسسه الاعلمی، الطبعة الأولى، ۱۴۲۶ ه.ق.
۲. اخوان، محمد، انسان در قرآن و کلام جدید، کاشان، مرسل، اول، ۱۳۹۰.
۳. اصغری، محمد، عقل و عرفان و سیری در زندگی شیخ محمد بهاری و شیخ محمد باقر بهاری، تهران، اطلاعات، دوم، ۱۳۹۱.
۴. پسندیده، عباس، الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، اول، ۱۳۹۲.
۵. جعفری، محمد تقی، آفرینش و انسان، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، دوم، ۱۳۸۸.
۶. جمعی از محققان، اصطلاح نامه فقه، ج ۳، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۹۷.
۷. جوادی آملی، عبدالله، دین شناسی، محمدرضا مصطفی‌پور، قم، مرکز نشر اسراء، چهارم، ۱۳۸۵.
۸. جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین و دنیا- بررسی و نقد نظریه سکولاریسم، قم، مرکز نشر اسراء، هفتم، ۱۳۹۱.
۹. خطیبی، اعظم، مفاهیم جامعه‌شناختی در پنج سوره اول قرآن کریم، همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا، اول، ۱۳۹۱.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، تهران، دوم، ۱۳۷۷.
۱۱. ربانی گلپایگانی، علی، ریشه‌ها و نشانه‌های سکولاریسم، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، سوم، ۱۳۸۵.
۱۲. رجبی، محمود، انسان‌شناسی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه‌الله- علیه، دهم، ۱۳۸۶).
۱۳. رهدار، احمد، غرب‌شناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دوم، ۱۳۹۳.
۱۴. سبحانی، جعفر، آزادی و دین سالاری، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، اول، ۱۳۸۴.
۱۵. سبحانی، جعفر، عرفی شدن دین، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، اول، ۱۳۸۴.
۱۶. سبحانی، جعفر، کاوشی در کلام و فقه، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، اول، ۱۳۹۱.



۱۷. سبحانی، جعفر، مدخل مسائل جدید در علم کلام، ج ۳، قم، مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، اول، ۱۳۸۳.
۱۸. سبحانی، محمد تقی، آیین عرفی جستارهایی انتقادی در بنیادهای سکولاریسم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۹۰.
۱۹. سجادی، هویت دینی و آموزه‌های چالش‌برانگیز معاصر، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، اول، ۱۳۹۱.
۲۰. شجاعی زند، علی رضا، دین، جامعه و عرفی شدن جستارهایی در جامعه‌شناسی دین، تهران، نشر مرکز، اول، ۱۳۸۰.
۲۱. شریعتمداری، حمیدرضا، سکولاریزم در جهان عرب، قم، انتشارات ادیان و مذاهب، اول، ۱۳۸۲.
۲۲. شکوهی، علی، عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی از منظر قرآن و حدیث، قم، بوستان کتاب، اول، ۱۳۸۴.
۲۳. شمس ناتری، علی، عقل و عقل‌گرایی در اسلام، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، اول، ۱۳۹۳.
۲۴. طاهرزاده، اصغر، علل تزلزل تمدن غرب، اصفهان، لب‌المیزان، چهارم، ۱۳۹۰.
۲۵. طاهری، محمد حنیف، اسلام و دموکراسی لیبرال، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، اول، ۱۳۸۷.
۲۶. عرب صالحی، محمد، عقل شیعی و عقل نواعزالی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول، ۱۳۹۳.
۲۷. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، چهل و یکم، ۱۳۹۴.
۲۸. فرارودی، صدیق حسین، قرآن و اومانيسم، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، اول، ۱۳۹۶.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، ج ۱، قم، انتشارات اسوه، الطبعة الثانية، ۱۴۲۵ ه.ق.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، ج ۲، قم، انتشارات اسوه، الطبعة الثانية، ۱۴۲۵ ه.ق.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، ج ۳، قم، انتشارات اسوه، الطبعة الثانية، ۱۴۲۵ ه.ق.
۳۲. فیروزی، جواد، پیدایش الاهیات نوین در مسیحیت؛ از رنسانس و آغاز انقلاب علمی تا فردریک شلایر ماخر، تهران، امیرکبیر، اول، ۱۳۸۴.
۳۳. کاشفی، محمد رضا، فرهنگ و مسیحیت در غرب، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰.
۳۴. گلستانی، صادق، نقد و بررسی نظریه عرفی شدن در ایران، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله علیه، اول، ۱۳۸۸.



۳۵. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، اول، ۱۳۹۳.
۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی، زلال نگاه، ج ۱، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه، اول، ۱۳۹۰.
۳۷. مصباح یزدی، محمدتقی، رستگاران، بی جا، وزیری، چهارم، ۱۳۹۱.
۳۸. مطهری، مرتضی، نقدی بر مارکسیسم، تهران، صدرا، اول، ۱۳۷۷.
۳۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران، امیرکبیر، بیست و سوم، ۱۳۸۵.
۴۰. میراحمدی، منصور، آزادی در فلسفه سیاسی اسلام، قم، مؤسسه بوستان کتاب، اول، ۱۳۸۱.
۴۱. نعیمیان، ذبیح الله، غرب شناسی انتقادی مسلمین، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۹۷.
۴۲. نوروزی، محمد جواد، نقد و ارزیابی عرفی گرایی در جمهوری اسلامی ایران، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۹۳.
۴۳. ونکی فراهانی، محمد، گذری بر اندیشه دینی در غرب، قم، دفتر عقل، دوم، ۱۳۸۷.
۴۴. هیئت مؤلفین آکسفورد، فرهنگ آکسفورد ادونس لرنر، تهران، دانشیار، سوم، بی تا.
۴۵. یوسفزاده، حسن، بررسی تحول آرای پیتر برگر درباره دین و عرفی شدن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه، اول، ۱۳۸۸.